

فشرده سخنانی عزیز هدایت در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»

مورخ، ۱۵ جنوری سال ۲۰۰۵

رفقای عزیز و گرامی،

اجازه دهید نخست از همه تدویر این کنفرانس بزرگ و پر شکوه «نهضت آینده افغانستان» را برای همه دوستان و شما عزیزان صمیمانه مبارکباد گویم. آرزومندم تا این کنفرانس وسیع، سر آغاز فصل نوینی در حیات سیاسی کشور ویران ما باشد.

ما بعد از انتظار طولانی و سالها سرگردانی و بی سرنوشتی، حال به لحظاتی دست می یابیم و به جریانی می پیوندیم که در آن آینده سازان روند سیاست انقلابی و دگرگون ساز کشور ستمدیده مان، افغانستان عزیز، دست اندر کار بنیان گذاری بنای کاملاً جدیدی میباشند بر تهداب نخستین ویرانه های حسرتبار ح.د.خ.ا. (حزب وطن) که متأسفانه امروز شیرازه دیروزی آن به صورت قطع و کلی فروپاشیده است.

رفقا،

بعد از سقوط دولت جمهوری افغانستان در سال ۱۹۹۲ بحران عمیق نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سراسر جامعه ما را فرا گرفت. علی الرغم میل و اراده نیروهای مترقی پدیده شوم عقبگرایی، بنیادگرایی، تفنگ سالاری و ملیت گرایی، ظلم و ستم، بیعدالتی، توهین، تحقیر، آزار و اذیت به شیوه های مختلف به عملکرد روزمره فوندمنتالیست ها و قوماندانان زورگوی به اصطلاح مجاهدین و اربابان خارجی آنها تبدیل شد و نظام قانون به نظام جنگل جا خالی نمود.

مردم کشور ما از یک دولت قانونی و مرکزی محروم شدند.

فراموش نشود که سرکوب نهضت های ملی و مترقی در طول تاریخ آرزوی دیرینه دشمنان قسم خورده وطن ما بوده است. ارتجاع داخلی یکجا با هم کیشان منطقه یی شان هرگز تحمل یک افغانستان دموکراتیک و مترقی و پیشرفته را نداشتند و ندارند که ده سال اخیر حیات سیاسی کشور ما گواه زنده این ادعا بوده است.

تجارب تلخ گذشته و به خصوص دههء اخیر درسهای آموزنده و سازنده یی برای نیروهای چپ و دموکراتیک و در مجموع قشر روشنفکر در قبال کاستی های گذشته با خود دارد. جاه طلبی روشنفکری، کوتاه نظری، رقابت های غیر مشروع و جناحی سبب گردید که صفوف نیروهای مترقی از هم بپاشد و نتواند چون دژ استواری در برابر ارتجاع داخلی و خارجی و بنیادگرایی افراطی مقاومت نموده و سد محکمی را در مقابل آنها ایجاد نماید. با صراحت کامل باید اعتراف کرد که ما نتوانستیم از میراث مبارزات گذشته و این امانت تاریخی با شایسته گی حفاظت نموده و دفاع نماییم. سهل انگاری و غفلت سیاسی نیروهای چپی در گذشته فرصت داد تا بنیادگرایان و عقب گرایان بالای اوضاع تسلط کامل یافته، روند پیشرفت، ترقی و دموکراسی واقعی را موقتاً متوقف سازند.

اما حال جای بسا مُسرت است که در نتیجهء دقت و درایت سیاسی و عمدتاً درس از تجارب گذشته های ح.د.خ.ا. (حزب وطن) و سایر نیروهای چپ و دموکراتیک، **اعضای جوان و آگاه و خوشنام حزب** که همهء ما از آنها شناخت دقیق داریم، با هسته گذاری «نهضت آینده» و چاپ نشریهء وزین «آینده» رسالت تاریخی خود را انجام میدهند. ما از ورای تحلیلهای منتشره در «آینده» از دستاوردهای مثبت و نوین اندیشه یی چپ معاصر، سلاح خلاق و نقاد جهانبینی علمی و تجارب جهانی بهره مند شدیم و میشویم.

کنفرانس امروزی «نهضت آیندهء افغانستان» که در نتیجهء تفاهم، مذاکره ها، گفت و شنودهای سالم چندین ساله در فضایی مملو از اعتماد و صداقت رفیقانه تدویر یافته است، گام نهایت بزرگ حیاتی و تاریخی در جهت ایجاد همبسته گی و اتفاق نیروهای ح.د.خ.ا. (حزب وطن) و سایر نیروهای چپ و دموکراتیک به حساب می آید. **این دستاورد عظیم که از کمیت و کیفیت قابل ملاحظه و در خور توجه برخوردار است، روزنهء امید نوین و خوش بینی عینی را در سمت استقرار و تحکیم پایه های سیاسی قوتهای چپ و دموکراتیک به وجود آورده است.** مسلماً مسؤولیت بزرگ به عهدهء فرد، فرد ما گذاشته شده است تا نیرویهای پیشرونده و ترقیخواه را به دور این آرمان بزرگ متشکل ساخته و در روند تغییرات سیاسی و اجتماعی در سطح عالی و شایسته سهم بزرگ تر و مسؤولانه تری احراز داریم.

بدون شک تا کنون خلاها، کمبودی ها و ضعف های سیاسی در صفوف بازمانده های چپ دیروزی کاملاً مرفوع نگردیده است. اما یقین داریم که با گذشت هر روز تأمین روابط نزدیک و ادامهء مذاکرات مفید و سازنده و ایجاد فضای اعتماد و صمیمیت با هم، ما را بیشتر نزدیک خواهد

ساخت تا بتوانیم با یک زبان مشترک در برابر مخالفان و دشمنان مشترک مان کار و مبارزه عادلانه و مسالمت آمیز خویش را ادامه دهیم. بگذار کسانی که آرمانی به جز خدمت به وطن و مردم آن ندارند، آگاه تر و بیدارتر از گذشته گردند و کاروان سعادت و خوشبختی را دنبال نمایند. **باید تلاش همه جانبه صورت گیرد تا همه روشنفکران چیز فهم کشور و رفقای صاحب اندیشه و معتقد به جهانی علمی در آن جای شایسته یی را احراز نمایند.**

رفقای گرامی!

تجارب تلخ گذشتهء حزب ما می آموزاند که ما در صورتی به ثمر بخشی «نهضت آینده» و پیروزی اهداف شریفانه و مردمی آن در نجات نیروهای کار و طبقات محروم و زحمتکش وطن عزیز خویش نایل آمده میتوانیم که با آنچه در گذشته اسباب ناکامی و سرافکنده گی حزب ما را فراهم آورده بود، از ریشه وداع کنیم. جهان نو اندیشه های نو به بار آورده، گفتار نو و کردار نو را نیز به بار می آورد، چنانچه کنفرانس کنونی ما گواه زندهء آن است.

من تدویر کنفرانس امروزی را که گام بلندیست در این روند و رویداد است تاریخی و آینده ساز، به تمام رفقا و دوستان ارجمند که در این مرحلهء تاریخی و حساس دست به کار سازنده گی آن بوده اند، صمیمانه مبارکباد میگویم. طرح استراتژی و تاکتیک «حزب مردم افغانستان»، یعنی مرامنامه و اساسنامه و نشر و توضیح و نظرخواهی در بارهء آن در جریدهء وزین «آینده» بدون شک برآیند کار خلاق و نقاد است که در این مرحلهء از تاریخ کشور مان صورت گرفته است.

من به صورت کل آن را تایید میکنم و حاضرم در راه تحقق آن تا پای جان هم مانند هزاران شهید گلگون کفن این راه انسانیت و شرافت بکوشم و از هیچ گونه بذل مساعی مادی و معنوی در این راه دریغ و مضایقه نکنم.

از حوصله مندی رفقا یک جهان سپاس

www.ayenda.org